

جنایات جنگی در آموزه‌های اسلامی

نگارنده‌گان: خواجه معراج‌الدین نائل*

دکتر محمد اسحاق نوری**

چکیده

جنایات جنگی، یکی از موضوعات مهم در حقوق جزای اسلام بوده، که در فقه عقوبات اسلامی به عناوین مختلف مطرح شده است. این مطلب در آموزه‌های اسلامی به تعبیرهای متفاوت و گونه‌های مختلف مصادیق آن بیان گردیده است؛ اما با این هم دیده می‌شود که گروه‌های جنگی منسوب به اسلام و کشورهای اسلامی، بیش‌تر به‌عنوان ناقضان حقوق بشری و مرتکبان جرایم جنگی محسوب می‌شوند؛ از این‌رو، محققان غربی می‌گویند که در اسلام قواعد جنگی وجود ندارد، یا اگر مواردی وجود داشته، پاسخ‌گو نیست؛ بناءً نوشتار حاضر در صدد این بوده است که این موضوع را در آیین آموزه‌های اسلامی مورد بحث قرار دهد، تا باشد که در قسمت آگاهی‌دهی حقوقی راجع به جنایات جنگی از منظر اسلام برای طرفین درگیر جنگ، کمکی صورت گرفته باشد. در این پژوهش نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به شکل کتاب‌خانه‌یی صورت گرفته است. یافته‌های مهم تحقیق این‌ها هستند که: جنایات جنگی‌یی که امروز حقوق جزای بین‌المللی به آن توجه نموده، ۱۴ صدسال قبل، دین اسلام به آن پرداخته و مصادیق و مجازات آن را به اشکال مختلف بیان کرده است؛ رویه‌های موجود کشورهای اسلامی در ارتباط با حقوق غیرنظامیان و رفتار مرتکبان جنایات جنگی، با ذات و هدف اسلام سازگار نبوده است. اسلام چه در قرآن و چه در سیره پیام‌بر صلی‌الله علیه و سلم و پیروان راستین‌اش، هم‌واره حقوق غیرنظامیان در جنگ، به رسمیت شناخته است و به رعایت اصل تفکیک، تأکید کرده است. عدم رعایت حقوق غیرنظامیان در جنگ، از جانب کشورهای اسلامی، نه ناشی از ضعف یا نبود قواعد و حقوق جنگ در اسلام، بل‌که ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی جهان اسلام است، تا جایی که در بسا کشورهای اسلامی این چالش به‌صورت جدی وجود دارد و تا اکنون نتوانسته‌اند به‌خوبی این ضعف را برطرف سازند.

واژه‌گان کلیدی: جرم، جنایات جنگی، منازعات مسلحانه، افراد غیرنظامی و قوانین جنگی

در اسلام.

* کادر علمی پوهنتون / دانشگاه غالب کابل؛ و دانش‌جوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی المصطفی - ایران

(khajanail@gmail.com)

** کادر علمی پوهنتون / دانشگاه غالب کابل (m.ishaqnoori@gmail.com)

Ghalib

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 14 / 11 / 2021

Accepted: 02 / 03 / 2022

War Crimes in Islamic discipline**Authors:** Khaja Merajuddin Nael* &
Dr.Mohammad Ishaq Noori****Abstract**

War crimes are one of the crucial subjects in Islamic criminal law, which has been discussed in Islamic jurisprudence under various titles. This theme, in Islamic teachings, has been proffered in different paraphrases and different types of examples; yet, warring factions attributed to Islam and Islamic countries are seen as the most human rights violators and perpetrators of war crimes that Western scholars/researchers believe that there are no rules of war in Islam, or if there are, they are not accountable; Therefore, the present article intends to discuss this issue in the mirror of Islamic teachings, in order to provide legal/juridical awareness of war crimes from the perspective of Islam for the warring parties. In this research, which is descriptive, with data collected from library has the following Important findings: The war crimes international criminal law pays attention to today, were dealt with by the religion of Islam 14 hundred years ago, and its examples and punishments have been expressed in various forms; The existing practices of Islamic countries regarding the rights of civilians and perpetrators of war crimes do not seem to be compatible with the nature and aim of Islam. Islam, whether in the Qur'an (as a written document of Islamic jurisprudence) or in the character of the Prophet (peace and blessings of Allaah be upon him) and his true followers, has always recognized the rights of civilians in war and emphasized the principle of separation. The non-observance of civil rights in war by Islamic countries is not due to the weakness or lack of rules and rights of war in Islam, but due to the weakness of the political structures of the Islamic world, even challenge for some Islamic countries to overcome this frailty.

Key words: Crime, War, War crimes, armed quarrel, Civilians & Laws of war in Islam.

* Academic Cadre of Ghalib University - Kabul And PhD Student in Criminal Law and Criminology at Al Mustafa International University, Iran (khajanail@gmail.com)

** Academic Cadre of Ghalib University – Kabul (m.ishaqnoori@gmail.com)

۱. مقدمه

گروه‌های مسلح و درگیر جنگ در منازعات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، در بسا کشورهای جهان به خصوص برخ کشورهای اسلامی باوجودی که عضو دیوان کیفری بین‌المللی ICC اند و به کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو پیوسته‌اند؛ اما بازهم در ایام جنگ ناقض اصول جنگی بوده‌اند و به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مرتکب جرایم شدید جنگی می‌شوند؛ دیده می‌شود که جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت علاوه بر این که توسط نیروی‌های خارجی و داخلی به شدت رخ می‌دهد، در بسا کشورهای اسلامی که درگیر جنگ‌های داخلی‌اند، توسط طرفین درگیر میلیون‌ها انسان بدون گناه، معصومانه کشته، زخمی و یا مجبور به کوچ اجباری شده‌اند و بیش‌ترین مرتکبان این جنایات، گروه‌های مسلح منسوب به اسلام و کشورهای اسلامی‌اند.

اهمیت و ضرورت این بحث در این است که: آن چه امروز در جوامع جنگ‌زده به شدت رخ می‌دهد و آسایش را از مردم بی‌گناه می‌گیرد، همانا جنایات جنگی است، که در بعضی از کشورهای جهان به خصوص برخی کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته و مردم مظلوم هم‌واره با این پدیده شوم مواجه‌اند؛ لذا تحقیق در این زمینه در پرتو آموزه‌های اسلامی از اهمیت زیاد برخوردار است.

گرچه در خصوص جرایم جنگی و مجازات آن در اسناد کیفری بین‌المللی و حقوق جزای بسیاری از کشورها بحث‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما در حقوق جزای اسلام به صورت مستقیم در این زمینه تألیف خاص و اثری را سراغ ندارم، که پاسخ‌گوی سؤال اصلی این تحقیق باشد؛ البته در برخی منابع اسلامی موضوع جرایم جنگی به صورت پراکنده مورد بحث بوده است که از جمله می‌توان موارد ذیل را بیان کرد:

۱. زحیلی، وهبه؛ آثارالحرب فی الفقه الاسلامی، دارالفکر، دمشق؛ ۱۴۱۲ هـ ق در این اثر زحیلی به شکل عمومی به آثار جنگ بر افراد و اشپای غیرنظامی پرداخته است، که به جنایات جنگی کم‌تر توجه صورت گرفته است؛

۲. احمدآبادی، حمیدرضا؛ حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه. دبیرخانه اسلام و حقوق بشردوستانه. در این اثر، بحث آقای احمدآبادی متمرکز به اثر تفکیک نظامیان از غیرنظامیان بوده و موضوع جنایات جنگی به گونه خاص مطرح نشده است؛

۳. حیدری، علی؛ تحول حقوق کودک در اسلام و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک. سایت باش‌گاه اندیشه. در تحقیق آقای حیدری مراحل رشد و توسعه حقوق کودک از حیث اجتماعی، اقتصادی، آزادی، صحتی، تعلیمی و برخ جرایم جنگی مرتبط به حقوق کودک با درنظرداشت آموزه‌های اسلامی کنوانسیون‌های حقوق کودک مورد بحث، بررسی و مقایسه قرار داده شده است که بحث شان جزئی است.

بناءً در هر یک از این منابع و منابع دیگر، که بررسی گردید، موضوع جرایم جنگی به‌گونه‌عام و از منظر قوانین ملی و بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح شده است؛ با توجه به نگاه اسلامی و با استناد به منابع شرعی کم‌تر در زمینه بحث و بررسی‌ها صورت گرفته است، که در این پژوهش، با یک رویکرد شرعی و فقهی جنایات جنگی در درگیری‌های مسلحانه، مورد بررسی، و تجزیه و تحلیل قرار داده می‌شود.

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی و تبیین جرایم جنگی از نگاه آموزه‌های اسلامی است تا از این طریق ابعاد تاریک قضیه، که کم‌تر به آن توجه شده مورد بررسی قرار گیرد.

بناءً سؤال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخ آن است، این‌گونه مطرح شده است که: جرایم جنگی در آموزه‌های اسلامی، چه‌گونه است؟ مصادیق و مجازات آن چه‌گونه پیش‌بینی شده است؟ ما با این پیش‌فرض به‌سوی این تحقیق رفته‌ایم که: جنایات جنگی و مصادیق آن در روایات اسلامی و دیدگاه‌های فقها به اشکال مختلف و تعبیرهای متفاوت بیان گردیده است و مرتکبان این نوع جنایات، مستحق سخت‌ترین مجازات دانسته می‌شوند.

یافته‌های مهم تحقیق این‌ها هستند که: جنایات جنگی‌یی که امروز حقوق جزای بین‌المللی به آن توجه نموده، ۱۴۰۰ سال قبل، دین اسلام به آن پرداخته، مصادیق و مجازات آن را به اشکال مختلف بیان کرده است؛ رویه‌های موجود کشورهای اسلامی در ارتباط با حقوق غیرنظامیان و مرتکبان جنایات جنگی، به نظر می‌رسد که با ذات و هدف اسلام سازگار نبوده است. اسلام چه در قرآن به‌عنوان سند مکتوب فقه اسلامی و چه در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم و پیروان راستین اش، همواره حقوق غیرنظامیان را در جنگ به رسمیت شناخته و به رعایت اصل تفکیک تأکید کرده است. عدم رعایت حقوق غیرنظامیان در جنگ، از جانب کشورهای اسلامی، نه ناشی از ضعف یا نبود قواعد و حقوق جنگ در اسلام، بل که ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی جهان اسلام است، تا جایی که در بسا کشورهای اسلامی این چالش به‌صورت جدی وجود دارد و تا اکنون نتوانسته‌اند به‌خوبی این ضعف را برطرف سازند.

۲. مفاهیم

چون بحث در هر موضوع، بسته‌گی به فهمیدن مفاهیم دارد، تا در روشنایی آن، به شکل درست وارد اصل بحث شده بتوانیم؛ لذا در این مبحث، مفاهیم اصلی و کلیات در قالب دو بخش جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ بناءً نخست به مفهوم‌شناسی جرایم جنگی و ماهیت جنگ پرداخته می‌شود:

۲-۱. تعريف جرايم جنگی

جرم یا جنایت جنگی، به معنای نقض مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است؛ جرم جنگی به‌عنوان یک پدیده جزایی، جزء جرایم بین‌المللی می‌باشد. تعریف جنایت جنگی، سابقه طولانی ندارد و برای اولین بار در عهدنامه لاهه، مورخ ۱۹۲۷، به‌طور مبهم در مورد قوانین و عرف‌های جنگ تعریف شده است. جنایات جنگی در خلال درگیری‌های مسلحانه صورت می‌گیرد، که جنایت باید پیوند کافی با خود درگیری مسلحانه داشته باشد (جوانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۲-۱-۱. تعريف جرايم جنگی در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی

از نظر اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی عبارت از نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو، تخلف جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا درگیری‌های مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی، در چهارچوب تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل است (باقری، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

اساس‌نامه، جرایم جنگی را، نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه منازعات مسلحانه می‌داند؛ یعنی مجموعه بزرگی از قواعد ماهوی، که به "احکام لاهه" و "احکام ژنو" معروف است. از خلال این تعریفات و توضیحات می‌توان به این تعریف دست یافت، که جرایم جنگی عبارت است از: نقض قانون‌ها و آداب‌ورسوم جنگی، برخورد ناشایست یا اخراج اهالی ملکی مناطق اشغال‌شده به‌منظور گماشتن به کارهای برده‌وارانه یا به هر منظور دیگری، قتل یا برخورد ناشایست با اسرای جنگی یا اشخاص اسیرشده، کشتار گروگان‌ها، غارت ملکیت‌های شخصی، ویرانی عمدی شهرها و روستاها؛ در صورتی که نیاز نظامی قابل توجیه وجود نداشته باشد.

۲-۱-۲. ماهیت جنگ در اسلام

تبیین ماهیت جنگ از نظر اسلامی، می‌تواند زیربنای بررسی موضوع جنایات جنگی در منازعات مسلحانه محسوب شود؛ بنابراین، در این بخش دیدگاه اسلام نسبت به جنگ بررسی می‌شود. اسلام دین صلح و سلامتی است. جنگ در اسلام به معنای کارزار و مبارزه جهت رسیدن به قدرت و ثروت نیست؛ بل که به خاطر دفع ظلم، احقاق حق و تأمین عدالت است، که از آن قرآن کریم به جهاد تعبیر می‌کند.

اسلام اصل مهم و حیاتی جهاد را تنها در جهت رویارویی با حملات و تهاجم دشمنان مقرر فرموده است؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ

لَقْدِيرُ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛ اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می شود که به آن ها جنگ (تحمیل) شده و به آن ها ستم شده است و خداوند تواناست که آنان را پیروز گرداند، همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خویش رانده شده اند و تنها گناهشان این بوده که می گفته اند: خداوند پروردگار ماست» (الحج: ۳۹-۴۰).

تمامی بیست و هفت جنگی که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و سلم مسلمانان علیه دشمنان خود، به آنان دست زدند، در واقع به خاطر دفاع و رویارویی با آن ها صورت گرفته و هیچ یک از آن ها جنگ تهاجمی نبوده و مسلمانان آغازگر آن نبوده اند. اصل جهاد اصلی مهم و مانده گار است_ هر چند برخی از فقها آن ها را جنگ تهاجمی می دانند_ اما در واقع جنگ دفاعی است؛ هم چنان که خداوند متعال می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَأَنْتُمْ بِلَا عُدُوٍّ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ در راه خدا با کسانی که با شما وارد جنگ شده اند، بجنگید و شما (هیچ گاه به دیگران) تعدی و تجاوز ننمایید؛ زیرا خداوند به راستی تجاوزگران را دوست نمی دارد» (البقره: ۱۹۰).

۳. جرایم جنگی در روشنی برخی قواعد بشردوستانه اسلام در منازعات مسلحانه

آن چه امروزه حقوق بشردوستانه نامیده می شود و هدفش حفظ جان، مال و حیثیت غیرنظامیان، مجروحان، اسرا و کسانی که در جنگ شرکت نکرده اند می باشد، از آغاز مورد توجه اسلام بوده است. شاید مهم ترین مبنای حقوق بشردوستانه در اسلام این باشد که اگر قرار است جنگ و خشونت رخ دهد، باید عادلانه باشد (علیخانی، ۱۳۸۸ ه.ش: ۴)؛ از جمله نمونه های کلی از دستورهای بشردوستانه اسلام را در جهت حمایت از حقوق غیرنظامیان و جلوگیری از ارتکاب جرایم جنگی می توان قرار ذیل بیان کرد:

۳-۱. منع شکنجه نمودن اسیران جنگی

شکنجه نمودن اسیران برای کسب اسرار نظامی دشمن، متداول ترین رویه جنگی است، که در کنوانسیون ژنو مورخ ۱۹۴۹ منع گردیده است. در قواعد بشردوستانه اسلام هم این نوع شکنجه کاملاً ممنوع اعلام شده است. در متون روایی موردی دیده می شود که مسلمانان، یکی از افراد اطلاعاتی قریش را دست گیر نمودند و وی را برای کسب اطلاع از محل ابوسفیان شکنجه نمودند. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و سلم در حال نماز بود؛ پس از فراغت از نماز فرمودند: «این مرد هرگاه که راست می گوید وی را می زنید و هنگامی که دروغ می گوید او را رها می سازید» (زحیلی، ۲۰۵ م)؛ از سوی دیگر تأکید بسیاری که در مورد رعایت حال اسیران و احسان به آنان و مدارا و تأمین وسایل رفاهی آنان در روایات دیده می شود خود دلیل روشنی بر محکوم بودن شکنجه و آزار اسیران جنگی می باشد؛

هم‌چنان اسیر مجروح، اگر عاجز از راه‌رفتن باشد و برای مسلمانان امکان بردن وی نباشد، نباید کشته شود و بسیاری از فقها رها نمودن وی را واجب دانسته‌اند.

۳-۲. جرم کشتن زنان، اطفال، افراد مذهبی و غیرنظامی

یکی از دیدگاه‌های انسانی جهاد، ممنوع نمودن کشتار غیرنظامیان به‌خصوص زنان، کودکان، بیماران، افراد فلج و کهن سال است، که موجب مسؤولیت کیفری می‌باشد؛ همان‌طوری که امام احمد در مسند خویش روایتی نقل می‌کند که حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه سپاهیان را به مأموریت فرستاد و یزید بن ابوسفیان را که به فرماندهی آنان گماشته بود برایش چنین توصیه کرد: «هیچ زنی یا کودکی و یا پیر زمین‌گیری را مکش، هیچ درخت میوه و یا نخل خرمايي را قطع مکن و آتش مزین، هیچ بنای آبادی را خراب مکن، هیچ گوسفند یا گاوی را جز به‌منظور خوردن مکش، مترس و زیاده‌روی نیز مکن» (ابو زهره، ۱۳۷۵: ۲۱)

این توصیه حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه ناشی از این فرموده پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم به یارانش می‌باشد، که در صحیح مسلم آمده: «... و اطفال کوچک را نکشید، و پیرمردان بزرگ را نکشید، زنان را نکشید، درختان خرما را زخمی نکنید، این درختان را نسوزانید، درختان میوه‌دار را قطع نکنید، گوسفند و گاو و شتر را جز برای خوردن ذبح نکنید» (به‌نقل از: نیشابوری، ۱۳۵۷: ح ۱۷۳۱).

۳-۳. جرم مثله کردن اجساد کشته‌شده دشمن

مثله کردن اجساد کشته‌شده‌های دشمن به هر نحوی که باشد، جنایتی است که با ماهیت جنگ و اهداف جهاد متعارض می‌باشد. انجام چنین عملی خود، جنایت و اقدام علیه کرامت انسانی محسوب می‌گردد، که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم از آن منع فرموده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ الْأَنْصَارِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: نَهَى النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ النَّهْبِ وَالْمُثَلَّةِ؛ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ يَزِيدَ أَنْصَارِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَيَّ غَوَيْد: نَبِيَّ اَكْرَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَزْ چِاْوَل (مَال) وَ مُثْلَهْ كِرْدَن (مَرْدَم) مَنَعْ كَرْدَه اَسْت» (بخاری، ۱۴۲۹ هـ، ق: ۲۴۷۴).

به‌پاس کرامت و ارزش انسان، که در اسلام مطرح است، مثله کردن اجساد دشمن جایز نیست و نیز نمی‌توان جنازه کشته‌گان دشمن را در بیابان رها کرد، تا طعمه گرگ و لاش‌خور شود؛ بل که به‌پاس کرامت انسان این جنازه‌ها دفن می‌شود؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «ما آدمیزاده‌گان را کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب نشانیدیم و از نعمت‌های پاکیزه خود روزی آنان کردیم و آن‌ها را بر بسیاری از آن‌چه آفریده‌ایم برتری کامل دادیم» (اسراء: ۷۰)؛ علاوه‌براین، رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم جنازه‌های کشته‌گان مشرکان را در صحنه جنگ بدر رها نکرد تا طعمه گرگ‌های

درنده بیابان و هم چون لاشهٔ مردار طعمهٔ لاش خورها شود؛ آن سان که سپاه‌های دشمن چنین می‌کردند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و سلم پس از پایان نبرد بدر به محلی که جنازه‌های مشرکان در آن جا بود آمد و آنان را در یکی از چاه‌های خشکیده و بی‌آب قدیمی دفن کرد.

۳-۴. خودداری از حمله بر مکاتب و آموزش‌گاه‌ها

در رابطه به حملات علیه مکاتب و شفاخانه‌ها، اصل «تشخیص» که قبلاً بیان گردید، قابل تطبیق است. مکاتب و شفاخانه‌ها از جمله اماکن ملکی و از هر نوع حمله محفوظاند. تخریب مکاتب و شفاخانه‌ها، در زمرهٔ فساد فی‌الارض به شمار رفته و جزای سنگین را در قبال دارد.

ارزش و وضعیت مکاتب، شباهت به وضعیت مساجد دارد؛ چون از قرون متمادی، مساجد علاوه بر عبادت به‌عنوان مراکز تعلیمی برای اطفال (اعم از دختر و پسر) استفاده می‌شود. خداوند ستم‌کارترین اشخاص را کسانی معرفی می‌کند، که مساجد و اماکن آموزش و عبادت را تخریب می‌کنند: «ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعی فی خرابها؛ کیست ستم‌کارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن‌ها نمود» (البقره: ۱۱۴)؛ هم‌چنان یکی از موارد توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم در میدان جنگ این بوده که به اماکن عام‌المنفعه تعرض نشود. از این نوع توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم، خلیفهٔ اول اسلام _ ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه _ نیز به فرماندهان دستور می‌داد:

«إني موصيك بعشرٍ لا تقتلن امرأةً ولا صبياً ولا كبيراً هرما ولا تقطعن شجراً مثمرًا ولا تحربن عامراً؛ من برایت ده هدایت می‌دهم: طفل، زن و کلان‌سال را نکشید، و درختان مثمر را قطع نکنید و تعمیرات را ویران نه نماید» (بن انس، ۱۴۲۵ هـ ق: ۱۲۳۴).

در صدر اسلام، مساجد به‌عنوان اماکن آموزشی هم محسوب می‌شدند، که رزمندگان اسلام در حین جنگ از حمله بر آن‌ها یا تخریب آن‌ها بر حذر داشته شده‌اند؛ بنابراین، حمله بر مکاتب و آموزش‌گاه‌ها در اصول جنگی اسلام کاملاً ممنوع و ناجایز است.

۳-۵. منع به‌کارگیری اطفال در منازعات مسلحانه

یکی از اصول و قواعدی که در کنوانسیون‌ها و پروتوکول‌های الحاقی در ارتباط با رعایت حقوق بشردوستانه توسط اغلب کشورها بر آن تأکید و اصرار فراوان شده، این است که شرکت اطفال در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه ممنوع است. این اصل (منع شرکت اطفال در جنگ) در فرهنگ اسلامی و فقه اسلام فراتر از آنچه به تصویب گروه‌های طرف‌دار حقوق بشر و کشورهای حامی آن رسیده، آمده است. در این خصوص روایات متعدد منابع دینی آمده است که شرکت اطفال را در

جنگ‌ها ممنوع کرده است. از جمله این که از پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم نقل شده است، که ایشان جنگ و جهاد را برای اطفال جایز ندانسته و می‌فرمایند: «لیس علی العبيد جهاد ما استغنی عنهم ولا علی النساء جهاد وال علی من لم یبلغ الحلم؛ بر برده‌گان جهاد واجب نیست تا هنگامی که از آن‌ها بی‌نیازی حاصل شود (آزاد شوند)؛ و نیز بر زنان و اطفال جهاد واجب نیست تا زمانی که به حد حلم (تکلیف) نرسند» (ابوشهبه، ۱۴۱۷هـ.ق: ۱۹۰)؛ هم‌چنان در سیره نبوی آمده است که: پیام‌بر گرامی صلی‌الله‌علیه و سلم برای پنج نوجوان، که حاضر شده بودند تا در غزوه احد اشتراک کنند، اجازه اشتراک را در جنگ نداد.

هم‌چنین در این خصوص روایات دیگری نیز آمده، از جمله این که: عبدالله ابن عمر از وضعیت خود در جنگ بدر روایت می‌کند: عَرَضَهُ يَوْمَ أُحُدٍ وَهُوَ ابْنُ أَرْبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً فَلَمْ يُجِزْنِي، ثُمَّ عَرَضَنِي يَوْمَ الْخُنْدَقِ وَأَنَا ابْنُ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً فَأَجَازَنِي؛ مرا در چهارده‌ساله‌گی، نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم بردند تا در غزوه أُحُد، شرکت نمایم؛ اما رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم به من اجازه شرکت نداد. بعد از آن، در پانزده‌ساله‌گی مرا نزد پیام‌بر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم بردند تا در غزوه خندق، شرکت کنم. این بار، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم به من اجازه داد (تا در غزوه شرکت نمایم) (بخاری، ۱۴۲۹ هـ.ق: ۲۶۶۴).

در سیره این هشام آمده است، هنگامی که مردم مدینه به دنبال رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم به طرف احد می‌رفتند، چند کودک پانزده‌ساله یا کم‌تر هم همراه سپاه اسلام به راه افتاده بودند؛ ولی همین که رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم متوجه شد، آن‌ها را برگرداند و فقط به دو نفر آن‌ها به نام‌های سمرة بن جندب و رافع بن خدیج اجازه داد تا در جنگ شرکت کنند. رافع را از این باب اجازه داد که اصحاب به آن حضرت عرض کردند: او تیرانداز قابلی است، و سمرة را برای آن که گفتند: او رافع را به زمین می‌زند و مابقی را که عبارت بودند از: اسامة بن زید، و عبدالله بن عمر، و زید بن ثابت، و براء بن عازب، و عمرو بن حزم، و اسید بن ظهیر، از نیمه‌راه برگرداند و تا جنگ خندق اجازه شرکت در جنگ به آن‌ها نداد (ابن هشام، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

این روایات، حکایت از آن دارد که در اسلام برای شرکت افراد در جنگ، قواعد و مقررات خاصی حاکم بوده است و افراد زمانی می‌توانستند در جنگ شرکت نمایند، که به سن تکلیف برسند و در غیر این صورت از شرکت آنان در جنگ ممانعت به عمل می‌آمده است. شرکت افراد نابالغ در جنگ مورد نهی شارع اسلام قرار گرفته است.

بنابراین، دولت اسلامی مکلف می‌گردد با وضع قوانین، سن سربازگیری اجباری و داوطلبانه را در منازعات تعیین نماید؛ هر چند مقررات موجود حقوق بین‌الملل، سربازگیری زیر سن ۱۵ سال را ممنوع نموده و از سن ۱۵ تا ۱۸ ساله‌گی اولویت را به سن بالاتر می‌دهد؛ اما سن سربازگیری داوطلبانه نیز باید به‌طور روشن مشخص شود.

نکته جالب توجه این است که حداقل سن برای شرکت در جنگ، در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حالی ۱۵ سال اعلام گردیده که دقیقاً همین محدوده سنی در اسلام، در بیش از هزار سال قبل تعیین شده بود، که انتخاب محدوده سنی مشترک در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلامی و قدمت بیش از هزارساله آموزه‌های اسلام، نمی‌تواند دور از واقعیت باشد، که تدوین‌کنندگان حقوق بشردوستانه معاصر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، متأثر از این آموزه‌های آسمانی بوده‌اند (احمدآبادی، ۱۳۸۹ ه.ش: ۷۱-۷۳).

۳-۶. منع آزار و اذیت جنسی و استثمار کودکان

تجاوز و خشونت جنسی علیه اطفال، یکی از بزرگ‌ترین موارد نقض حقوق اطفال محسوب می‌شود و در تضاد به شریعت اسلامی قرار دارد؛ در جریان یک تجاوز ممکن یک کودک جانش را از دست دهد، یا بعداً توسط اعضای فامیل به قتل برسد؛ به‌خصوص در قضایای اطفال دختر؛ مطابق منطق کج و غیرعادلانه، قربانی به‌جای آن که در این وضعیت کمک و موردحمایت قرار گیرد، ملامت می‌شود. سوءاستفاده جنسی از یک کودک، نه‌تنها باعث ایجاد استرس (تکلیف روانی)، ضربه روحی و ضرر می‌شود؛ بل که روی رشد روانی و فیزیکی آینده وی نیز تأثیر می‌گذارد. این پدیده شوم و زشت، بیش‌تر در شرایط جنگی و منازعات مسلحانه رخ می‌دهد. قانون اسلام بر ضرورت پیروی از اصل منافع علیای کودک تأکید می‌کند، در نتیجه اطفال به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر، نیاز به حمایت از هرگونه خشونت جنسی دارند؛ همان‌طوری که تذکر رفت، قرآن کریم برای جنگ و جهاد اسلامی اصول و حدود خاصی را تعیین کرده‌است و تجاوزگران را از نقض آن هشدار می‌دهد؛ چنان‌که در سوره بقره، آیه ۱۹۰ در خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «در راه خدا باکسانی بجنگید که با شما می‌جنگند و از حدود خدا تجاوز نکنید که خداوند تجاوزکنندگان را دوست ندارد». بدون شک یکی از موارد برجسته اعتداء و تجاوز، آن است که با استفاده از شرایط جنگی به اطفال و دختران درگیر جنگ تجاوز جنسی صورت گیرد، که بزرگ‌ترین جرم و جنایت است؛ بناءً اسلام تجاوز، به‌خصوص تجاوز بر جوانان و آسیب‌پذیران را منع کرده و به پنجه قانون سپردن مجرمان، تأکید می‌کند؛ هرچند زنان بیش‌تر در مقابل استثمار جنسی آسیب‌پذیرند؛ اما اطفال پسر هم ممکن مورد هم‌چون استثمار قرار گیرند؛ مانند رسم ناپسند «بچه‌بازی».

۴. اصل تفکیک در آموزه‌های اسلامی

محدودیت عملیات نظامی در دایره هدف‌های نظامی به‌عنوان یکی از اصول مسلم جنگ در اسلام، در راستای حمایت از حقوق اطفال است؛ جنگ‌ها نظامیان را رو در روی یک‌دیگر قرار

می‌دهند و نه مردم را؛ بنابراین، تا آن‌جا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، باید غیرنظامیان اعم از زنان، اطفال، سال‌مندان و... از تعرض مصون باشند. اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و غیرنظامی، ریشه در آیات قرآن کریم، سنت و سیره نبوی دارد، که این‌جا به مواردی از آن می‌پردازیم:

۴-۱. دلایلی از قرآن

خداوند سبحان در جهت حمایت از حق سلامت و امنیت غیرنظامیان، به‌خصوص اطفال، که در منازعات مسلحانه به‌صورت عموم می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند پیکار کنید و تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد» (البقره: ۱۹۰)

وجود قرینه (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ)، بیان‌گر آن است که جنگ و قتال، مختص مقاتلان است و قتال با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند، اعتدا و تجاوز از حدود الهی محسوب می‌شود. ابن عباس، عمر بن عبدالعزیز و مجاهد بر آن‌اند که آیه کریمه محکم است و مراد آن این است که با کفاری که با شما در حال جنگ هستند، بجنگید؛ اما با کشتن زنان و کودکان و کشیشان مرتکب تجاوز نشوید. ابن کثیر و امام رازی نیز بر همین‌گونه تفسیر کرده‌اند. در جای دیگر خداوند متعال رزمندگان اسلام را حتا در برابر جنگ‌جویان دشمن دستور می‌دهد که جنگ دفاعی داشته باشند و بدون موجب به‌جانب دشمن تعرض و تعدی نکنند. می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَأَتَوْا اللَّهَ وَأَعْمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ هر که بر شما تجاوز کند به همان نسبت بر او تجاوز کنید و از خدای بترسید و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است» (بقره: ۱۹۰).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این آیه شریفه، سه قید برای جنگ ذکر نموده است: نخست آن‌که مسلمانان در راه خدا بجنگند (نه برای دنیاطلبی و غنیمت‌یابی)؛ دوم آن‌که مسلمانان تنها با کسانی بجنگند که برای پیکار با ایشان آمده‌اند؛ سوم آن‌که مسلمانان به هیچ‌کس تجاوز روا ندارند؛ یعنی زنان و اطفال و پیران و کسانی را که اهل جنگ نیستند همه را محترم شمرند؛ چنان‌که طبری از ابن عباس (پسرعموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم) آورده، که در تفسیر آیه مزبور گفت: «لَا تَقْتُلُوا النِّسَاءَ وَلَا الصِّبْيَانَ وَلَا الشَّيْخَ الْكَبِيرَ وَلَا مَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلْمَ وَكَفَّ يَدَهُ، فَإِنْ فَعَلْتُمْ هَذَا فَقَدْ اعْتَدَيْتُمْ؛ زنان و اطفال و پیرمردان و کسی که اظهار صلح به شما می‌کند و دست از جنگ باز می‌کشد، هیچ‌کدام را نکشید، که اگر چنین کردید، بی‌تردید تجاوز نموده‌اید» (طبری، ۱۳۸۷ هـ ق: ۲۳۰-۲۳۱).

هم‌چنان در ارتباط به مطلب این آیه کریمه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم تجاوز در جنگ را برای یارانش توضیح داده و فرموده است: «... نوزادان و کودکان و زنان و پیرمردان را نکشید، و چشمه‌یی را خشک

نکنید، و درختی را نبرید؛ مگر درختی که به شما زیان می‌رساند (و مانع پیش‌روی شما می‌شود) و انسان و حیوان را مثله نکنید، و مکر و خیانت به‌کار نبرید و چون مردی از شما _ بزرگ‌ترین یا کم‌ترین تان _ مردی دیگر از مشرکان را به اشارت فراخواند و او پیش آمد، وی را امان دهید تا کلام خدا را بشنوید آن‌گاه اگر پذیرفت، در آن صورت برادر دینی شما خواهد شد و چنان‌چه نپذیرفت وی را به جای‌گاه امنش برسانید...» (همان‌جا).

۴-۲. ارشادات نبوی صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم به‌عنوان پیام‌بر رحمت، در طول حیات خویش غزواتی را که انجام داد بر مبنای دفع ظلم و اعلای کلمه‌الله بود، نه به معنای تلف‌کردن و از میان‌بردن و ایجاد فساد و یا بی‌اعتنایی مطلق به همه پای‌بندی‌های انسانی، آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم هر کاری را در جنگ روا نمی‌دانست و دست به کارهایی نمی‌زد، که امروز فرماندهان نظامی از آن بهره می‌جویند، کارهایی را از قبیل کشتن سال‌مندان، زنان و اطفال و تخریب محصولات کشاورزی مردم و ستمی کردن آن‌ها به‌منظور کشتن مردمان روا می‌دارند (الجزائری، ۱۳۸۹: ۸۰/۲).

پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم قبل از اعزام فرماندهان به جنگ، به یاران و مبارزان اسلامی چنین توصیه نموده و دستور می‌دهد که هنگام جنگ از قتل و اذیت زنان و اطفال مشرکان اجتناب ورزید: «أَنْطَلِقُوا بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَأَيُّبًا وَلَا طِفْلًا وَلَا صَغِيرًا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَغْلُوا وَصُمُّوا غَنَائِمَكُمْ وَأَصْلِحُوا وَأَحْسِنُوا (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)؛ با نام الله و به یاری الله و به‌عنوان پیروان دین رسول الله صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم حرکت کنید، به افراد زیر تعرض نکنید: پیرمردان ناتوان، کودکان، نوزادان و زنان، و از مال غنیمت دزدی نکنید، اموال غنیمت را جمع کنید، اصلاح نمایید و رفتار نیکو داشته باشید؛ همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد» (ابوداود، ۱۴۲۰ ق: ۲۲۴۷).

پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم کمال رحمت و رأفت خود را در خلال جنگ‌ها به دشمنان نشان داده است. پیش از جنگ به یاران خود سفارش می‌کرد: «لَا تَغْلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا وَاتَّقُوا اللَّهَ فِي الْفَلَاحِينَ الَّذِينَ لَا يَنْصِبُونَ لَكُمْ الْحَرْبَ؛ خیانت نکنید. حيله‌گری مکنید. اجساد کشته‌گان را قطعه‌قطعه مکنید. هیچ کودکی را نکشید. درباره‌ کشاورزانی که بر ضد شما جنگ به پا نکرده‌اند، از خدا بترسید» (نیشابوری، ۱۳۵۷: ۱۷۳۱).

هم‌چنان پیام‌بر صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم به یاران خویش می‌فرماید: «ای مردم، شما را به ده چیز توصیه می‌کنیم: آن‌ها را حفظ کنید؛ افراط نکنید، فریب ندهید، خود را شبیه دیگران نکنید، و اطفال کوچک را نکشید، و پیرمردان بزرگ را نکشید، زنان را نکشید، درختان خرما را زخمی نکنید، این درختان را

۴-۳-۱. توصیه حضرت ابوبکر رضی الله عنه

امام مالک (رح) از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت نموده است که او در سفارشش به لشکریانش هنگام اعزام به جنگ توصیه می نمود: «قومی را خواهید یافت که خویشتن را وقف پرستش خدا نموده اند، دست از آنان بردارید و بگذارید به کارشان مشغول باشند؛ و زن و کودک و پیرمرد سال خورده را نکشید» (بن انس، ۱۳۲۵ ه.ق: ۱۳۱).

۴-۳-۲. توصیه حضرت عمر رضی الله عنه

حضرت عمر رضی الله عنه خلیفه دوم اسلام در خطاب به فرماندهان خویش توصیه می کرد که به سال خورده گان، زنان و اطفال تعرض نکنید و خون ایشان را نریزید؛ زید پسر وهب گفته است: نامه عمر رضی الله عنه به دستمان رسید. در آن آمده بود: «غلو و زیاده روی نکنید. ظلم و ستم ننمایید. اطفال را نکشید. از خدا بترسید و برزگران را بپایید و با ایشان نیکو رفتار کنید» (همان جا).

عمر بن خطاب برای سعد بن وقاص و سربازان همراه وی نوشت: اما بعد، من ترا و سربازانت را در حال به تقوای خدا سفارش می کنم و بدان دستور می دهم؛ چون به راستی تقوای خدا به ترین ابزار و اسلحه علیه دشمن و نیرومندترین تدبیر جنگی می باشد. من ترا و سربازانت را امر می کنم به این که از معاصی و گناهان بیش تر پرهیز کنید تا از دشمن؛ چون خطر گناهان سپاه برای آن ها بیش تر است، از خطر دشمن و ... اردوگاه ها و منازل سپاهیان خویش را به دوراز دهات و مناطق سکونت اهل صلح و اهل ذمه قرار بده و نگذار کسی از سپاهیان به میان آن روستاها و به داخل آنان برود؛ مگر کسی که به دین و درستی ایمان او اطمینان داشته باشی (طبری، ۱۳۸۷ ه.ق: ۲۳).

۴-۳-۳. توصیه های حضرت علی رضی الله عنه

امیر مؤمنان، حضرت علی رضی الله عنه نیز در میدان کارزار دقیقاً از پسر عموی خود رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیروی می کرد؛ چنان که کلینی با اسناد خود از ابو حمزه ثمالی^۱ آورده، که گفت به علی بن حسین رضی الله عنهما گفتم که: امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره اهل قبله، برخلاف سیره رسول خدای درباره اهل شرک رفتار نمود! امام سجاد از این سخن خشمناک شد، آن گاه نشست سپس گفت: سوگند به خدا که او در مورد اهل قبله همانند رسول خدا در روز فتح مکه رفتار کرد. علی علیه السلام به مالک اشتر، که روز جنگ بصره در پیشاپیش سپاهش بود، نوشت: «بر کسی که به جنگ ایشان

^۱ ابو حمزه ثمالی (ثابت بن دینار) از یاران علی بن حسین علیه السلام بوده است. علمای رجال، او را مورد وثوق و استوار در دین شمرده اند. وی چهار پسر داشت که همه گی به همراه زید بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند.

نمی‌آید نیزه نزنند، و کسی را که پشت کرده و می‌گریزد نکشد. در قتل کسی که زخم خورده شتاب نرزد؛ و به هرکس که در خانه‌اش را ببندد، امان دهد» (همان‌جا).
این همه ارشادات و روایات اسلامی، بیان‌گر این واقعیت است که اسلام حتا در آوان جنگ با مردمان آسان‌گیری می‌کند و با دشمنان خود سوگیری را نمی‌پسندد؛ اما شدت و حدت که اسلام بدان توصیه می‌کند، آن در برابر متجاوزان و تعدی‌گران است.

۴-۳-۴. دیدگاه فقهای اسلامی در جهت رعایت اصل تفکیک

در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در آیات و روایات، قوانین و مقررات مربوط به جنگ و قتال به‌صورت کامل بیان شده و احکام و مقرراتی نیز با هدف حمایت از افراد غیرنظامی و جلوگیری از ارتکاب جرایم جنگی مقرر گردیده است؛ از دیگر سو، فقیهان مسلمان نیز در طول قرن‌ها، در قالب «فقه الجهاد» به واکاوی این قواعد و مقررات پرداخته و در این زمینه قواعدی را وضع نموده‌اند، از جمله قاعده ذیل است: «لایقتل غیرالمقاتل / در کارزار و منازعات مسلحانه افراد غیر مقاتل و غیرنظامی کشته نشود» (زحیلی، ۲۰۵ م: ۱۷۹/۲). در قاعده فقهی «لایقتل غیرالمقاتل»، حکم عدم جواز کشتن غیرمقاتلان در جنگ‌ها، یک حکم کلی است، که بر مصادیق آن قابل تطبیق است؛ بدین‌صورت که در جنگ، هرکسی عنوان غیرمقاتل بر او منطبق بود، از حمایت برخوردار است و کشته نمی‌شود (روسو، ۱۳۷۴ هـ ق: ۱۱).

در رابطه به اصل تفکیک، می‌توان دو مطلب را اندکی توضیح داد:

الف. برخورد با غیرنظامیان

یکی از مسائلی که بیان‌گر انگیزه و هدف جنگ است، نحوه برخورد با غیرنظامیان و مردم بی‌دفاع می‌باشد؛ از آن‌رو که در اسلام، مبارزه در راه خدا و برای خداست و هدف و انگیزه دفاع از حق، پیاده کردن نظام اسلامی، پاس‌داری از آن و... می‌باشد؛ هیچ مبارز مسلمانی، نمی‌تواند کوچک‌ترین ظلم و ستمی به افراد غیرنظامی انجام دهد؛ هم‌چنان که نمی‌توان ظلم و بی‌عدالتی را پلی برای رسیدن به پیروزی قرار داد؛ چنان‌که در یک روایت آمده است: «کسی که با توسل به گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند، در واقع مغلوب است» (همان‌جا).

ب. مصونیت افراد غیر شامل در جنگ

از جمله نمونه‌های احترام اسلام به ارزش‌های انسانی در حالت مناقشه مسلحانه، مصونیت گروه‌هایی است که در جنگ شرکت فعال ندارند؛ مانند پیران، کودکان، زنان، دیوانه‌گان، افراد ناتوان، درمانده و... لشکر اسلام، حق ندارد هنگام جنگ گروه‌های فوق‌الذکر را مورد تعرض قرار دهد؛

چنان که توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم را که به هنگام اعزام نیرو به جبهه، ایراد می‌فرمودند، قبلاً خواندیم (طحاوی، ۱۴۱۴ هـ ق: ۳/۲۲۴).

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهند که: بنابر اصول و قواعد جنگ در اسلام، ارشادات قرآنی و نبوی، حقوق غیرنظامیان در منازعات مسلحانه محفوظ بوده و هیچ دلیلی برای مشروعیت قتل و قتل افراد غیرنظامی، که مشارکتی در جنگ ندارند، وجود ندارد؛ بل که آن از جمله جنایات جنگی به حساب شده و مجازات سختی را در پی دارد. در این زمینه، علاوه بر عمومیتی که در آیات و روایات وجود دارد، ادله‌ی نیز با ذکر برخی مصادیق افراد غیرنظامی مانند اطفال، زنان و سالمندان بیان شد، که قتل و کشتن آنان در منازعات مسلحانه جنایت جنگی محسوب می‌شود؛ چون اسلام چه در قرآن به‌عنوان سند مکتوبِ فقه اسلامی و چه در سیرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم و پیروان راستین‌اش، همواره حقوق غیرنظامیان را در جنگ به رسمیت شناخته است؛ آیه‌های متعددی در قرآن، گفتارهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم، رویه‌های آل و اصحاب پیامبر که بیان کردیم، مؤید بر این ادعاست؛ درنهایت این حقیقت معلوم شد که عدم رعایت حقوق غیرنظامیان به‌خصوص زنان، اطفال و سالمندان در کشورهای اسلامی دُچار منازعات مسلحانه، نه ناشی از ضعف یا نبود قواعد و حقوق جنگ در اسلام، بل که ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی جهان اسلام است، تا جایی که در بسا کشورهای اسلامی این چالش به‌صورت جدی وجود داشته و تا اکنون نتوانسته‌اند به‌خوبی این ضعف را برطرف سازند؛ هم‌چنان قواعد جنگ در اسلام در مطابقت با اصل "تشخیص" موجود در حقوق منازعات مسلحانه قرار دارد؛ بناءً افراد ملکی و غیرنظامی از جمله اهداف ممنوعهٔ جریان جنگ محسوب شده و هدف قراردادن زنان، اطفال و کهن‌سالان را در جنگ ممنوع اعلان کرده و از جمله جنایات جنگی برمی‌شمارد. بدیهی است در آن روزگار، که این موضوعات را مطرح کرد، کنوانسیون ژنو، پروتوکول‌های الحاقی، مباحث حقوق بشر، سازمان ملل، دانش‌کده‌ها، دانشگاه‌ها، بخش‌های حقوقی و اندیش‌مندان بشری نبودند؛ جنگ‌های وحشیانهٔ اول و دوم و ده‌ها جنگ وحشت‌ناک منطقه‌ی و داخلی اتفاق نیفتاده بود؛ لیکن در فضای جاهلیت، در عصری که دختران را زنده‌زنده گور می‌کردند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سلم مبعوث به رسالت شد و پیام آسمانی توحید و قرآن را به گوش جان‌ها ابلاغ کرد؛ آرمان‌ها، اهداف، سیاست‌ها و استراتژی‌های خود را بر مبنای روابط حیات‌بخش ایمانی و انسانی، وحدت نوع انسان، حق حیات، حق حرمت، کرامت و آزادی همهٔ انسان‌ها قرارداد و در راستای جنگ و منازعات مسلحانه، جلوگیری از ارتکاب جنایات جنگی اصول قواعدی را وضع کرد، که مبنای حقوق بشردوستانهٔ امروز را در میدان جنگ تشکیل می‌دهد.

سرچشمه‌ها

۱. ابن حنبل، أحمد بن محمد. (۱۴۲۱هـ.ق). **مسند احمد**. چاپ اول. ریاض: مؤسسه رسالت.
۲. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۳۷۴). **الطبقات الكبرى**. ترجمه محمود مهدوی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۳. ابن ماجه، محمد. (۱۴۳۳ ق.هـ.). **سنن ابن ماجه**. بی‌جا: دار احیاء کتب عربی.
۴. ابن هشام. (۱۴۲۹ هـ.ق). **سیرت ابن هشام**. ترجمه سیدهاشم رسولی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات کتاب‌خانه اسلامی خیابان پامنار.
۵. ابو زهره، محمد. (۱۳۷۵). **خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم**. مشهد: آستان قدس.
۶. ابوشهبه، محمد. (۱۴۱۷ هـ.). **السیرة النبویه فی ضوء القرآن والسنة**. چاپ سوم. دمشق: دارالقلم.
۷. احمدآبادی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). **حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه**. تهران: گنج دانش.
۸. ابوداود، سلیمان. (۱۴۲۰ ق.). **سنن ابوداود**. چاپ اول. قاهره: دارالحدیث.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۹ هـ.ق.). **صحیح بخاری**. چاپ اول. بی‌جا: دارالطوق نجا.
۱۰. بغوی، أبو محمد بن مسعود. (۱۴۱۷ هـ ق.). **تفسیر البغوی**. مصر: دار طیبیة للنشر و التوزیع.
۱۱. بن انس، مالک. (۱۴۲۵ هـ ق.). **موطأ**. چاپ اول. ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان.
۱۲. جوانی، جمشید. (۱۳۸۹). **بررسی جنايات جنگی در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی**. تهران: گنج دانش.
۱۳. حیدرآبادی هندی، محمد حمیدالله. (۱۴۰۷ هـ.). **مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوي والخلافة الراشده**. بیروت: دار التفائس.
۱۴. حیدری، علی. (۱۳۹۵). «**تحول حقوق کودک در اسلام و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک**». سایت پژوهش دین. ۲۴ آبان.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۶). **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: نشر دانش‌گاه تهران.
۱۶. روسو، شارل. (۱۳۷۴ هـ ق.). **حقوق منازعات مسلحانه**. ترجمه سیدعلی هنجی. ایران: دفتر خدمات جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. زحیلی، وهبه. (۱۳۸۹). **فقه خانواده در جهان معاصر**. کابل: سعید.

۱۸. _____ (۲۰۰۵ م). «اسلام و حقوق بشردوستانه». مجله بین‌المللی صلیب سرخ. ش ۸۵۸.
۱۹. سید، سابق. (۱۳۸۷). **فقه السنة**، مترجم: محمود ابراهیم. تبریز: محمدی.
۲۰. سید، محمد قطب. (۱۳۹۰ ه.ش). **تفسیر فی ظلال**. ترجمه فارسی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲۱. شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۸). **حقوق کیفری بین‌المللی**. کابل: سعید.
۲۲. ضیاء بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **حقوق جنگ - حقوق بین‌المللی مخاصمات مسلحانه**. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانش‌گاه علامه طباطبائی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ ه. ق). **تاریخ طبری**. بیروت: دار تراث.
۲۴. طحاوی، أبو جعفر. (۱۴۱۴ ه. ق). **شرح معانی الآثار**. بیروت: عالم‌الکتب.
۲۵. علی‌اکبر. (۱۳۸۸). **حقوق بشردوستانه در اسلام**. تهران: نشر دانش‌گاه تهران.